

تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای فرهنگی توسعه‌ی شهرهای متوسط در ایران در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۷ (مطالعه‌ی موردی: مرند)

حوریه مقصودی^۱، مهرداد نوابخش^۲، سیدمحمد سیدمیرزایی^۳

چکیده

در راستای تحقق توسعه‌ی پایدار شهری باید شرایطی فراهم شود تا امکان بسترسازی توسعه‌ی پایدار انسانی و بهبود رفاه اجتماعی شهروندی، فراهم گردد که در این بستر می‌توان به برقراری عدالت اجتماعی، طراحی اقلیمی هماهنگ با محیط زیست انسانی، تقویت ساختارهای همبستگی اجتماعی همچون تعهد و مسؤولیت‌پذیری، تقویت بنیان‌های اجتماعی و خانوادگی و احیای محیط زیست همگانی و ایجاد انتظام ساختاری در فضای شهری برای ادراک زیباشناختی و خوانایی شهری و بهبود بهره‌گیری از فضاهای شهری و افزایش رضایت شهروندی و یکپارچگی بخشی به ساختار بصری محیط و منظر شهری اشاره کرد. هدف این مطالعه، تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای فرهنگی توسعه‌ی شهرهای متوسط در ایران طی ده سال گذشته و مطالعه‌ی موردی مرند است که طی سالهای ۹۶ و ۹۷ مورد پژوهش واقع شده است. جامعه آماری این پژوهش افراد بالای ۱۵ سال ساکن شهر مرند در طی سالهای ۹۶-۹۷ بودند. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری مختلط یعنی طبقاتی و خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. در مجموع، ۲۶۰۰ پرسش‌نامه تکمیل شد که برای تمامی مقاصد آماری کفایت می‌کرد. در این تحقیق بر روی شاخص‌های نیازهای ساکنان تحلیل عاملی در هشت عامل انجام شد. آزمون بارتلت با معیار کایزر معادل

^۱ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران hooriehmaghsoodi@yahoo.com

^۲ -استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران mehrdad_navabakhsk@yahoo.com

^۳ -استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران seyedmirzaie@yahoo.com

۰/۸۴۰ و معنادار بود؛ این امر حاکی از اعتبار این آزمون است. تحلیل عاملی انجام شده کاملاً با شاخص‌بندی محقق با توجه به مطالعات اسنادی هماهنگ بود که نتایج آن آورده می‌شود. نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد در سطح نیازهای کالبدی و اجتماعی در شهر، در مجموع، نیازهای زیر برای ساکنان دارای اولویت بوده‌اند: نیاز به تعاملات اجتماعی ساکنان با یکدیگر و نیاز به امکانات و تسهیلات رفاهی، به ترتیب با متوسط رتبه ۷/۳۴ و ۷/۱۸ در صدر قرار داشته‌اند و نیاز به امنیت و احساس تعلق به شهر به ترتیب با متوسط رتبه ۴/۲۶ و ۲/۷۴ در رتبه‌های آخر بوده‌اند. بقیه نیازها در سطح بینابینی قرار گرفته‌اند. در کل، نتایج نشان می‌دهد ایجاد فضاهای عمومی به عنوان بستری برای تعاملات اجتماعی یک درخواست مبرم است.

واژگان کلیدی: توسعه‌ی شهری، مسائل شهری، جامعه‌ی شهری مرند، آسیب‌های اجتماعی، پیامدهای فرهنگی

مقدمه

فرآیند شهری شدن در کشورهای در حال توسعه و یا مشخص‌تر خاورمیانه‌ای همچون ایران، اجتناب‌ناپذیر و بسیار شتابزده صورت گرفته است. در ایران طی ۳۰ سال نرخ شهرنشینی نزدیک به دو برابر شده است. نتیجه‌ی ابتدایی از این روند رشد، نشانگر حرکتی ناموزون، تقلیدی و بدون بسترسازی‌های مناسب فرهنگی- اجتماعی بوده است. همه‌ی کشورهای جهان سوم از دهه‌ی پنجم قرن بیستم به بعد به جوامعی با اکثریت شهرنشین مبدل شده‌اند. اگرچه این اکثریت در بین کشورهای مختلف با درجاتی متفاوت رخ داده است اما شهر و مسائل زندگی شهری از دغدغه‌های مهم این جوامع است. زیرا در این جوامع غالباً شهری شدن و اساساً شکل‌گیری شهرها با آهنگی تدریجی و طبیعی در گذر زمان حادث نشده‌اند. «در ایران ۸ شهر بیش از ۵۰۰ هزار نفر جمعیت به تنهایی حدود نیمی از جمعیت شهرنشین کشور را در خود جای داده‌اند. (طالقانی، ۱۳۶۹) در یک دوره‌ی ۸۰ ساله میزان شهرنشینی در کشور ما بیش از دو برابر شده است و از ۲۸ درصد در سال ۱۳۰۰ به ۶۱/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ و سرانجام به ۶۵ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است (نتایج سرشماریهای مختلف) و تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ در ۱۳۳۵ به ۱۱۴۴ شهر در ۱۳۹۶ افزایش یافته است. در یک نظرسنجی نظرات شهروندان،

شهرداران و صاحب‌نظران درباره تأثیر شهرنشینی بر گسترش انحرافات اجتماعی در شهر به پرسش گذاشته شده است. ۷۵/۳٪ شهروندان، ۸۴٪ صاحب‌نظران و ۷۵٪ شهرداران موافق تأثیر شهرنشینی بر گسترش انحرافات اجتماعی بوده‌اند. همچنین مشکلات شهرنشینی از منظر این دسته از پاسخگویان به شرح زیر است. شهروندان: کمبود امکانات رفاهی و خدمات شهری، بیکاری و نبود یا کمبود فرصت‌های شغلی، گسترش اعتیاد، مدیریت ناکارآمد مجموعه‌های شهری کشور، رشد بی‌رویه جمعیت و شهرنشینی و فرهنگ پایین شهرنشینی. (پورافکاری و همکاران، ۱۳۸۱). «از دیگر عوامل توسعه‌ی موزون در یک شهر، وجود اشتراکات فرهنگی-اجتماعی است. شهرستان مرند، هم اکنون پنج کانون زیست شهری نام‌های مرند، کشکسرای، زنوز، یامچی بناب جدید دارد. مرند از نظر سلسله‌مراتب نظام شهری، به عنوان مرکز شناخته شده است و به عنوان مرکز سطح اول شهرستان شناخته می‌شود. از نظر جمعیتی شهر مرند، پرجمعیت‌ترین شهر ناحیه به شمار می‌رود و شهر کشکسرای با فاصله‌ی زیاد پس از این شهر قرار گرفته است. شهر مرند با جمعیت ۱۱۴۸۴۱ نفری در سال ۱۳۸۵ به عنوان مرکز شهرستان به شمار آمده و در طرح پایه‌ی آمایش استان، به عنوان شهر سطح دو، به مثابه‌ی کانون محرک توسعه‌ی منطقه‌ای معرفی شده است و در نهایت برای سازماندهی، توسعه و توازن‌بخشی در سطح شهرستان مهم خواهد بود. مرند با دارابودن ۱۵۶۰۵۳ نفر جمعیت (سال ۱۳۹۵ خورشیدی) و با ۲۸ کیلومتر مربع مساحت (سال ۱۳۹۴ خورشیدی)، سومین شهر پرجمعیت استان پس از تبریز و مراغه و از نظر مساحت دومین شهر بزرگ استان پس از تبریز محسوب می‌شود.

با چنین ویژگی‌های جمعیتی، شهر مرند دارای رشدی شتابان در جمعیت و کالبد شهری است. پیامدهای فرهنگی - اجتماعی ناشی از زندگی شهری شتابان از جمله شامل موارد زیر است: حاکم شدن روابط ثانویه غالباً اقتصادی بر همه‌ی وجوه زندگی انسان، بی‌اعتمادی، احساس عدم امنیت، تنهایی، گمگشتگی، افت وفاق اجتماعی، افزایش خشونت‌های اجتماعی، عدم تحمل دیگری به واسطه‌ی حاکمیت منشهای فردگرایانه و

کاهش همدلی‌ها و همبستگی‌های اجتماعی و ... همگی به درجات مختلف در مناطق شهری جدید از جمله این دسته از جوامع آشکارا دیده می‌شود. در این مطالعه تحلیل وضعیت توسعه‌ی شهری مرند، با تأکید بر مسائل اجتماعی از جمله حاشیه‌نشینی، بیکاری، تضادهای فرهنگی، بی‌اعتمادی، خروج نخبگان، ... مورد نظر است. این پژوهش که در طی سالهای ۹۶ تا ۹۷ انجام شده است، با هدف، تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای فرهنگی توسعه‌ی شهرهای متوسط در ایران طی ده سال اخیر (مطالعه‌ی موردی مرند) انجام گرفت.

پیشینه تحقیق

در سطح نظری محققان به طرح مباحث نظری درباره‌ی موضوعاتی چون مدیریت محله‌ای، توسعه‌ی پایدار محله‌ای، مشارکت مردمی، رابطه‌ی فضا و ساختارهای اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی محلات پرداخته‌اند.

فهمی‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «تهیه‌ی طرح‌های اجتماعی فضایی، روشی در بازسازی و نوسازی پایدار محلات شهری» جایگاه محله‌ها را در ساختار شهرهای معاصر ایرانی بررسی می‌کند و ضمن دسته‌بندی کالبدی و ساختاری محلات، ویژگی‌ها و نیازهای خاص آن‌ها را در فرآیند تحول بیان می‌نماید (فهمی‌زاده، ۱۳۸۰).

بیگدلی در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت‌های مردمی در تحقق مدیریت محلی در منطقه ۲۰ تهران» سعی کرده است با توجه به مفهوم مشارکت و انواع آن، نقش محوری شورایاری‌ها را به عنوان محوری‌ترین تشکل مردمی در اداره‌ی امور شهری در تحقق مدیریت و توسعه‌ی محلی در منطقه ۲۰ تهران موشکافی و تشریح کند (بیگدلی، ۱۳۸۸: ۶۷).

در سطح تجربی محققان تحقیقات خود را در مورد موضوعاتی چون میزان تعلق به محله، سرمایه‌ی اجتماعی محله و رابطه‌ی فضا با تعاملات اجتماعی با استفاده از روش پیمایش مورد سنجش قرار داده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

رفیع‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «بررسی میزان تعلق اجتماعی در گروه‌های سنی ساکن در محلات تهران» به بررسی احساس تعلق به محله در میان گروه‌های سنی مختلف پرداخته است (رفیع‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۳۴).

ذکایی و روشن‌فکر در مقاله‌ای با عنوان «رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محلات شهری» در سطح تحلیل خرد و کلان عوامل مؤثر بر تغییر سرمایه اجتماعی در مناطق مختلف شهری را بررسی کرده‌اند (ذکایی و روشن‌فکر، ۱۳۸۳: ۶۱).

قرایی در مقاله‌ای با عنوان «نقش خصوصیات کالبدی در افزایش تعاملات اجتماعی»، خصوصیات کالبدی محله را که می‌تواند در تقویت روابط اجتماعی مؤثر باشد با استفاده از مطالعه میدانی در مورد شرایط ایران مورد آزمون قرار می‌دهد (قرایی، ۱۳۸۰: ۱۱).

خاک‌پور و دیگران در مطالعه‌ای با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای» رابطه میان پایداری محله از دیدگاه ساکنان را با میزان سرمایه اجتماعی آنان مطالعه کردند. هرچند فرضیه اصلی پژوهشگران تأیید نشده، آنان با توجه به مشاهدات به‌دست آمده این نکته را بیان کردند که می‌توان با تقویت سرمایه اجتماعی به پایداری محله دست یافت. به عبارت دیگر، دستیابی به پایداری در توسعه محله‌ای بدون توجه به پتانسیل‌های نهادی و انسانی و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های فردی و گروهی قابل اجرا نیست (خاک‌پور، ۱۳۸۸: ۵۸).

ویژگی مشترک مطالعات انجام شده آن است که چه در سطح نظری و چه در سطح تجربی به بعدی از ابعاد فرهنگی و اجتماعی توسعه‌ی کالبدی در شهرها توجه کرده‌اند.

چهارچوب نظری

شهر تولیدکننده‌ی فرهنگ است. «شهرها به‌صورت صورتهای فضایی، بیانگر فرهنگ‌هایی که تولید کرده‌اند هستند ... حتی آنهایی که شهر را می‌سازند و طراحی می‌کنند (معماران و برنامه‌ریزان)، بازنمایی شهری^۱ مخصوص خود را دارند. شهر محصول فرهنگ است و

به یک «روحیه^۱» مبدل می‌شود. اینجاست که دکترین فن‌سالارانه پهنه‌بندی^۲ (جدایی قاطع مکان‌های فعالیت از مکان‌های مسکونی) شهرساز شهیر لوکوربوزیه^۳ نمی‌تواند در واقعیت تحقق یابد. (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۲۱)

شهر بایستی جایی باشد که روابط اجتماعی را تولید نماید. شومبارت دولوو^۴ در مردم‌نگاری شهرهای بزرگ تأکید بر روابط اجتماعی محلی دارد چه در یک منطقه‌ی کارگری و یا حاشیه‌ای و روابط اجتماعی جاری شود. او در مردم‌نگاری‌اش از شهرهای بزرگ این سؤال را مطرح می‌کند: در یک سال گذشته با کدام یک از دوستان یا از خویشاوندان ملاقات داشته‌اید، اعم از اینکه شما به دیدارشان رفته‌اید یا آنها به دیدارتان آمده‌اند؟ هر نقطه از شهر همچون نقشه‌ی پاریس باید معرف یک دوست یا یک خویشاوند باشد. شومبارت می‌افزاید پاریس و مناطق مسکونی‌اش، یک اثر دسته‌جمعی و چندرشته‌ای است که هنوز امروز هم برای تکنگاری محله‌ها، مطالعه‌ی اجتماعات شهری و کارگری و کیفیت نقشه‌ها الگو قرار می‌گیرد. (همان: ۴۴) پس شهر می‌تواند دارای تنوعات گوناگون فرهنگی و مهاجرت باشد، اما تعیین‌کننده‌ی حفظ روحیه‌ی شهر برنامه‌ریزی و مدیریت شهری بر پایه‌ی مطالعات بین‌رشته‌ای و رسیدن به اجماع نظری در تنظیم کالبد شهر با روح شهر است. نوربرت الیاس در بحث «پویایی اختلاط اجتماعی در شهر» نشان می‌دهد چگونه در یک شهرک کارگری میان نورسیده‌ها و جاخوش کرده‌ها می‌تواند اختلاط اجتماعی برقرار شود. قدیمی‌ها (جاخوش کرده‌ها) توقع دارند نورسیده‌ها آنها را محترم بشمارند. در حالی که نورسیده‌ها معمولاً بی‌اعتنا به نظم مقرر استقرار می‌یابند و خانوارهای قدیمی آنان را کجرو به حساب می‌آورند. رفتارشان نزد قدیمی‌ها این احساس را به وجود می‌آورد که هر تماسی با آنان منزلتشان را تنزل خواهد داد و به حیثیت محله‌شان لطمه خواهد زد. نهایتاً مدارا برقرار نمی‌شود مگر وقتی که گروه در حاشیه مانده و تحقیر شده طبق هنجار فراتر رفتار کند. (همان: ۵۳). بنابراین شهر در

-
- 1 . Spirit
 - 2 . Zonage
 - 3 . Le Corbusier
 - 4 . Chombart de Lauwe

عین داشتن روحیه، می‌تواند جایی با یک یا چند سبک زندگی شهری باشد. شهر یک «محیط بوم‌زیستی»^۱ است که به دلیل تنوع و تراکم جمعیت‌ها، شرایط زندگی خاصی را ایجاد می‌کند. حال چند رویکرد با این بوم‌زیستی که ناهمگن و دارای مردمانی با سبک‌های مختلف زندگی‌اند، مطرح می‌شود. جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو این تنوع گروهی در شهر را تهدید تلقی کرده که منجر به هنجارشکنی‌ها و کجروی‌ها می‌شود. تحقیقات مکتب شیکاگو امروز در برابر پرسش‌های یکپارچگی^۲، جمعیت‌های بی‌بضاعت و مهاجر، جدایی‌گزینی در شهر، خشونت‌های شهری چگونه به کار می‌آید؟ اگر چه این مکتب در برابر ایدئولوژی آمریکایی آن زمان معروف به «بوت‌هی ذوب»^۳ ایستاد و موزاییکی از خرده‌فرهنگ‌های شهری را مطرح کرد. (نظریه‌های بوم‌شناختی برگس، هویت و ...) در همین جریان‌های فکری، رویکردی خاص‌تر، که شهر را منصفی ظهور گونه‌گونی‌ها و تعاملات، بدون واژه از آشفتگی و نابسامانی‌ها می‌بیند، مطرح می‌شود. جورج زیمل^۴ در مطالعه‌ی خود «کلان‌شهرها و طبایع»^۵ به محیط شهری و سبک‌های زندگی شهرنشینان می‌پردازد. "به نظر زیمل، شهر «محرك عصبی را تشدید می‌کند». شهر جایگاه بازار، اقتصاد پولی، تقسیم کار و مشاغل تخصصی است. مبادله‌ی کالا و استفاده همگانی از پول، روابط میان افراد را شخصیت‌زدایی کرده و آنها را بر مدار منافع بازسازی می‌کند. زیمل میان این شخصیت‌زدایی و فرایند «غیراجتماعی شدن»^۶ یعنی سست شدن پیوندهای عاطفی فرد با گروه‌های نخستین (خانواده، گروه همسالان) رابطه برقرار می‌کند. شهرنشینی فرد را مجبور می‌کند که به عضویت در گروه‌های اجتماعی روی آورد که زیمل آن را گروه می‌نامد. تنش میان گروه نخستین و دومین در شهر بروز می‌نماید." (همان: ۶۷) این مکانیسم‌ها راهبردهای حمایتی‌ای است که زیمل برای انسان شهری

- 1 . Bio-Ecological environment
- 2 . Integration
- 3 . Melting pot
- 4 . George Simmel
- 5 . Metropoles and mentalities
- 6 . Desocialisation

ترسیم می‌نماید. سنخ‌های اجتماعی در دنیاهای شهری متفاوتی زندگی می‌کنند." زیمل فرد را در شهر با ویژگی‌هایی همچون، فردگرایی تصور می‌کند که زیر فشار نیروهای مختلف درگیر احساس نامطبوعی است که او را به گوشه‌گیری و فاصله از دیگران کشانده است. زیمل تلاش می‌کند تأثیر شهر را بر روان‌شناسی جمعی جمعیت نشان دهد زیرا انسان در شهر از تعلقات پیش‌شهری و سنتی آزاد شده و هویتی فردی می‌یابد. بحث زیمل از این منظر به انسان در شهر، حرکتی را در مکتب شیکاگو ایجاد نمود که پس از او به حوزی خرده‌فرهنگ‌های شهری و دسته‌های شهری منجر شد. "شهرها دارای مناطق مرزبندی شده اقلیتی نیز هستند. در همین راستا بحث گتو^۱ مطرح می‌شود." گتو ویرث در نهایت عبارت است از اعطای حق سکونت به جماعتی از لحاظ قومی و دینی همگن که با درونی کردن فشارها، موجه بودن جداماندگی‌اش را به رسمیت می‌شناسد." (همان: ۷۴) پارک (۱۹۲۵) در بحث انسان در محیط شهری معتقد است: "فاصله‌های فیزیکی و عاطفی یکدیگر را تقویت می‌کنند. توزیع محلی جمعیت نیز در کنار طبقه و نژاد بر تطور سازمان اجتماعی نفوذ داشته و مؤثر است. هر شهر دارای حومه‌های حرفه‌ای نیز هست. هر یک از این محله‌های شهری دارای ابعاد و مشخصات یک روستا، یک شهر کوچک کامل و مجزا یا حتی یک شهر بزرگ هستند با این تفاوت که جمعیت آن، جمعیتی گزینش شده است." (فکوهی، ۱۳۸۵: ۱۸۵)

دیدگاه‌های حوزه‌ی نوسازی روانی در توسعه‌ی شهری و ارتقاء سطح همبستگی اجتماعی با ارزش و درخور تأمل است. دیدگاه دانیل لرنر در چهارچوب نظریه‌ی اشاعه‌ی فرهنگی و بسط عناصر فرهنگی، توسعه به‌عنوان مفهومی برخاسته از تمدن غرب مطرح می‌شود. "به‌نظر لرنر مهمترین عناصر و متغیرهایی که در ظهور تحرک ذهنی و آمادگی روانی انسان‌ها برای نو شدن مؤثرند عبارتند از: بسط و گسترش رسانه‌های گروهی، سوادآموزی، ارتقای سطح تحصیلات، شهرنشینی و ارتقاء مشارکت زنان ... لرنر با مطالعه میدانی خود (۱۹۶۴) در خاورمیانه (ترکیه، لبنان، ایران، اردن، مصر و سوریه)

ترکیه را مستعدترین کشور در فرایند توسعه تحلیل نمود ... لرنر دو مفهوم همدلی^۱ و شخصیت انتقالی^۲ را در روانشناسی اجتماعی مردمان یک جامعه در مسیر توسعه ارائه داد. بدین معنا که اگر شخص این توانایی را در خود ببیند که خود را در جای دیگری بگذارد، در صورت شناسایی ابعاد روانی و آمادگی ذهنی، او در مسیر پذیرش تجدد و نوآوری است.^۳ دیوید مک کله لند نیز در حوزه‌ی نوسازی روانی به انگیزشی ذهنی که او نام ویروس بر آن می‌نهد، اشاره دارد. او ویروس «میل به پیشرفت»^۴ را به‌عنوان عامل مهم انگیزشی در توسعه می‌شناساند.^۵ او دو فضیلت مساعد شخصی و اجتماعی را در فعال شدن میل به پیشرفت دخیل می‌داند. فضیلت شخصی علاقه به سعادت دیگران و عدم خودمحوربینی و فضیلت اجتماعی را در آموزش نیاز به پیشرفت، تحرک اجتماعی و گسترش ایدئولوژی آن در خانواده و طبقه‌ی اجتماعی می‌داند.^۶ به‌نظر اورت راجرز تغییر، چیزی جز اندیشه و نظری نیست که فرد آن را جدید و نو می‌پندارد ... به‌نظر او فرآیند قبول یک اندیشه‌ی نو که متضمن یادگیری آن اندیشه و هم تصمیم‌گیری درباره‌ی آن است، در پنج مرحله عینیت می‌یابد: (۱) آگاهی (۲) علاقه (۳) ارزشیابی (۴) آزمایش و (۵) قبول آن اندیشه‌ی جدید ... او معتقد است از نظر روانی باید نوعی آمادگی در افراد برای پذیرش تغییرات نو و جدید وجود داشته باشد که او آنها را وجهه‌نظرها^۷ می‌نامد ... به‌نظر راجرز عناصری چون انگیزه‌ها، ارزش‌ها و وجهه‌نظرها در قالب خرده فرهنگ دهقانی مانع نوآوری و پذیرش تغییرات نوسازی می‌شوند. این عناصر عبارتند از: عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی / فقدان نوآوری / تقدیرگرایی / پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات / عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی به‌خاطر منافع آتی / عدم توجه به عنصر و اهمیت زمان / خانواده‌گرایی / وابستگی به قدرت دولت / محلی‌گرایی و فقدان همدلی^۸

-
- 1 . Empathy
 - 2 . Transitional Personality
 - 3 . Need for Achievement (NACH)
 - 4 . Attitudes

(ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۰۸ و ۱۱۳ و ۱۱۵) بدین ترتیب عطف به دیدگاه‌های حوزه‌ی نوسازی روانی، فرآیند توسعه با عوامل شخصیتی، انگیزشی و منشی ارتباط مستقیم دارد.

پیش‌فرض‌های توسعه‌ی پایدار شهری

در راستای تحقق توسعه‌ی پایدار شهری باید شرایطی فراهم شود تا امکان بسترسازی توسعه‌ی پایدار انسانی و بهبود رفاه اجتماعی شهروندی فراهم گردد که در این بستر می‌توان به برقراری عدالت اجتماعی (هاروی، ۱۳۷۶: ۹۹-۱۱۰) طراحی اقلیمی هماهنگ با محیط زیست انسانی (شیعه، ۱۳۸۰) تقویت ساختارهای همبستگی اجتماعی همچون تعهد و مسئولیت‌پذیری، تقویت بنیان‌های اجتماعی و خانوادگی و احیای محیط زیست همگانی (بحرینی، ۱۳۷۸) و ایجاد انتظام ساختاری در فضای شهری برای ادراک زیباشناختی و خوانایی شهری (کونین لینچ، ۱۳۸۱-۳۴-۱۲) و بهبود بهره‌گیری از فضاهای شهری و افزایش رضایت شهروندی (بحرینی، ۱۳۷۸: ۹۸-۱۲۹) و یکپارچگی بخشی به ساختار بصری محیط و منظر شهری (کالن، ۱۳۷۷: ۶۴-۹۰) اشاره کرد. توسعه‌ی پایدار شهری در تکوین مفاهیم زیر جنبه‌ی کارآمدی به خود می‌گیرد:

الف- بسترسازی عدالت اجتماعی و شهروندی

ب- بستر سازی مشارکت شهروندی و همبستگی اجتماعی

پ- بسترسازی تقویت بنیان نهادهای اجتماعی و بنیان خانوادگی

ث- رویکرد استراتژیک بر پدیداری توسعه‌ی پایدار شهری

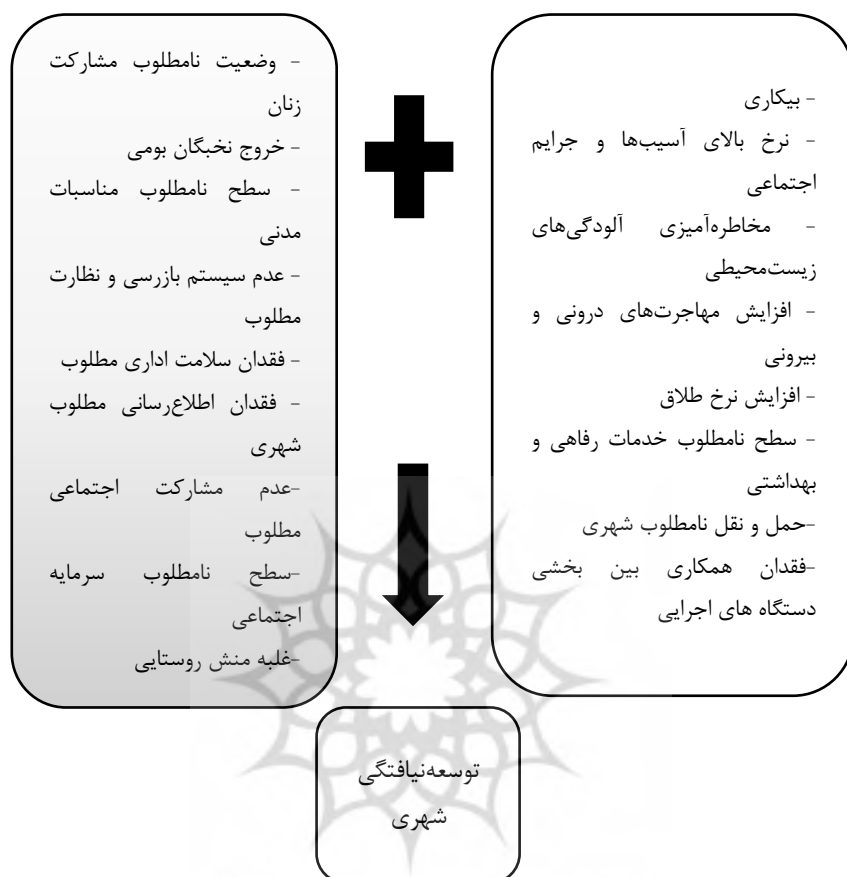
ج- گسترش آداب و فرهنگ شهرنشینی

چ- مساعدت و سازماندهی ارگان‌های دولتی و خصوصی

ح- کارآمدسازی سیاست‌ها و برنامه‌های سیاست‌گذاری در حوزه‌ی کلان شهری

خ- گسترش حقوق شهروندی و بهینه‌سازی مناسبات مدنی

حاصل مباحثات نظری فوق در راستای شکل‌گیری مدل تحلیل نظری با بهره‌گیری از حوزه‌های نظری توسعه‌ی شهری در نمودار زیر آورده شده است.



یافته‌ها در رابطه با شاخص‌های مرتبط با توسعه‌ی شهری

ویژگی‌های جمعیتی - جمعیت مناطق شهری ایران در فاصله ۱۳۳۵-۱۳۷۵ نسبت به شاخص سال پایه بیش از ۶۰۰ درصد رشد داشته است و این مؤید تئوری‌های مربوط به رشد لجام گسیخته شهری در کشورهای در حال توسعه و از جمله در ایران است. در ایران سیر رشد جمعیت در دوره ۷۵-۱۳۵۵ برای کل کشور ۲/۹ درصد و ۴/۳۰ درصد درصد برای نقاط شهری و ۱/۳۰ درصد برای نقاط روستائی دیده شده است. رشد متوسط سالانه‌ی جمعیت در دوره ۷۵-۱۳۶۵، برای کل کشور ۱/۹۶ درصد، ۳/۲۱ درصد برای نقاط شهری و ۰/۲۸ درصد برای نقاط روستائی است و رشد متوسط سالانه‌ی

جمعیت در دوره ۷۵-۱۳۷۰ برای کل کشور ۱/۴۷ درصد، برای نقاط شهری ۲/۹۵ درصد و برای نقاط روستایی ۰/۶۴- درصد است. همانطور که مشاهده می‌شود همواره رشد شهرنشینی بیش از رشد کل کشور و روستایی است و این بیانگر تحولاتی از جمله تخلیه‌ی روستاها و هجوم به نقاط شهری است

بر اساس نتایج به دست آمده از آمارهای جمعیتی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ در مهر و آبان ماه، استان آذربایجان شرقی با ۳۹۰۹۶۵۲ نفر جمعیت ۴۰،۸۹ درصد از کل جمعیت کشور را به خود اختصاص داده است که در مقایسه با سرشماری سال ۱۳۹۰ سهم جمعیتی استان تغییر محسوسی نداشته است. جمعیت شهر مرند طبق سرشماری ۱۳۹۵، ۱۵۶۰۵۳ نفر تعداد خانوار ۴۸۲۹۶، بعد خانوار ۳،۲ نسبت شهرنشینی ۶۳،۷ درصد و نسبت جنسیتی ۱۰۳ است.

نیازهای اساسی فضای کالبدی

متناظر با نخستین نیاز انسان در مدل مازلو که نیازهای اساسی است، در فضای کالبدی اجتماع محلی دسترسی به هوا، غذا، نور آفتاب، بهداشت، سلامت، سرپناه و حرکت برای هر انسانی الزامی است. این نیازها برای بقا لازم و ضروری است. توجه به اساسی‌ترین نیازهای انسان در ادبیات شهری آرمان‌گرا قابل مشاهده است.

همچنین مسائلی چون «تأسیسات آب، برق، گاز، خدمات بهداشتی، آب و هوای سالم، سیستم منظم پاکروبی در محله، فاضلاب بهداشتی، جمع‌آوری زباله‌های شهر، ایجاد جاذبه‌های محیطی مانند پارک، کتابخانه عمومی، مرکز هنری و فرهنگی» (موسوی، ۱۳۸۹: ۱۱۷)، از مهم‌ترین مؤلفه‌های مورد توجه هر برنامه شهری و محله‌ای است. از سوی دیگر، میزان و کیفیت حمل و نقل نیز در سلامت زندگی جمعی و توسعه پایدار محیطی مؤثر است. توجه به حرکت پیاده و ایجاد محیط بدون مانع و مناسب‌سازی مسیرهای خاص جهت استفاده افراد با توانایی کم، مانند سالخوردگان، کودکان و معلولان می‌تواند در افزایش کیفیت محیط بسیار مؤثر واقع شود (مطلبی، ۱۳۸۳: ۱۰۰-۱۰۲).

نیازهای اجتماعی و اجتماع شهری

نیاز به ایمنی و امنیت

متناظر با دومین نیاز در مدل مازلو، در فضای اجتماعی اجتماع شهری نیاز به امنیت مطرح است. در توسعه پایدار محله‌ای نیز امنیت رکن اساسی است. نظام‌بخشی در مناسبات محله‌ای و سازماندهی امکانات جهت بهره‌گیری جمعی برای استفاده همگان نیازمند تأمین امنیت درونی محله‌های شهری است. مراد از امنیت اجتماعی این است که هر فردی در محل زندگی خود و اجتماع محلی احساس آرامش و آسایش کند و با اطمینان خاطر و به دور از نگرانی مشغول زندگی خود باشد (سفیری، ۱۳۸۷: ۱۴۵).

وجود امنیت در محله موجب حفظ حریم زندگی خانوادگی و رهایی از خطرات و تهدیدهایی است که ساکنان محلات را تهدید می‌کند و زمینه برخورداری از فرصت‌ها و امکانات محله‌ای به شکل منطقی و صحیح را فراهم می‌کند (توسلی، ۱۳۷۹: ۳۵).

نیاز به تعاملات اجتماعی

نیاز به تعاملات اجتماعی از مباحث سرمایه اجتماعی استخراج شد. زندگی سرزنده و پویا در سطح اجتماع محلی، به میزان و شدت روابط اجتماعی میان ساکنان بستگی دارد. همخوانی و هم‌آوایی میان اهالی بر میزان ارضای نیازهای روانی و اجتماعی آنان تأثیر می‌گذارد. الکساندر بر این عقیده است که روابط صمیمانه احساس اجتماع محلی را افزایش می‌دهد. چنین روابطی دو شرط لازم دارد: نخست تماس در سطح غیررسمی برقرار شود، دوم این روابط به‌طور مداوم تکرار شود و به صورت روزانه انجام گیرد. اجتماع محلی فرصتی برای برخوردهای اجتماعی غیررسمی، گفتگو و تعامل میان ساکنان است (قرایی، ۱۳۸۰: ۵).

نیاز به تعلق به شهر (هویت شهری)

متناظر با سومین نیاز در مدل مازلو، در فضای اجتماعی محلی، نیاز به تعلق به محله مطرح می‌شود. احساس تعلق به محله، عنصر اصلی شکل‌بخشی به اجتماع محله‌ای است.

هویت محله‌ای به معنای احساس تعلق به یک مای مشترک است؛ این ما می‌تواند محله، موقعیت، مذهب و غیره باشد. محله یک اجتماع همسایگی است؛ در اجتماع دو خصلت پیوند و رابطه‌ی عاطفی نقش عمده دارند. شناخت پیوندهای میان افراد در اجتماع همسایگی از جمله ابعادی است که باید به آن توجه خاص داشت. از این رو، توجه به مفهوم همسایگی یکی از راه‌کارهای پاسخ‌گویی به نیاز به وابستگی و تعلق است. در این بعد، به سؤالاتی چون آیا افراد یک محله نسبت به یکدیگر احساس تعلق و تعهد دارند مطرح می‌شود. احساس تعلق به محله بر رفتار و نگرش ساکنان تأثیر دارد. جامعه‌شناسان معمولاً برای سنجش احساس هویت محله‌ای از شاخص‌های زیر مدد می‌گیرند: مردم چقدر درباره‌ی محله‌ی خود اطلاعات دارند؟ مرزهای محله کدام است؟ نام محله چیست؟ اعضای محله چه احساسی درباره‌ی مکان زندگی‌شان دارند؟ آیا از خدمات محله راضی هستند؟

ایجاد حس هویت محله‌ای با به کارگیری عوامل هویت‌دهنده و ایجاد علاقه در بین ساکنان جدید نسبت به محله، استفاده از عوامل وحدت‌بخش برای تثبیت محله به‌عنوان یک مجموعه، تأمین فضاهای مناسب جهت برگزاری اجتماعات و ایجاد نزدیکی و پیوند بین اهالی در قالب فضاهای باز محله‌ای می‌تواند ذیل برنامه‌های بازسازی محلات قرار گیرد. طراحی برای ساکنان محله در جهت رؤیت در فضا و قابلیت انعطاف بافت محله در مقابل تغییرات آینده نقش مهمی در ایجاد هویت محله‌ای دارد. مجموعه‌های باز و قابل دسترسی و دارای پیوند با مجموعه‌های دیگر مانند فضاهای آموزشی، ورزشی، تفریحی، مذهبی و فرهنگی در مقیاس محلی هویت‌بخشی به محله را تسهیل می‌کند. از سوی دیگر، وحدت ظاهری و یکپارچگی و انسجام در بافت و ساختار کلی محلات، انسجام اجتماعی در محله را فراهم می‌کند (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

نیاز به مشارکت در اداره‌ی شهر

متناظر با چهارمین و پنجمین نیاز در مدل مازلو در سطح اجتماع محلی، نیاز به مشارکت در اداره‌ی محله مطرح می‌شود. نیاز به احترام و خودشکوفایی در سطح اجتماعی محله از

طریق مشارکت فعال مردم برآورده می‌شود. مشارکت مردم در امور محلی متأثر از نیاز آنان به تعلق و احترام و خودشکوفایی است. انسان خودشکوفای سعی در تغییر قابلیت‌های محیطی برای رفع نیازهای خویش دارد و از نظر اجتماعی روحیه‌ای مسئولیت‌پذیر دارد. از این رو، مردم هر اجتماع محلی می‌توانند با مشارکت یکدیگر در سطوح مختلف نیازهای خویش را برطرف کنند (مطلبی، ۱۳۸۳: ۱۱۷).

در سطح اجتماعی، توسعه شهری نیازمند ملاقات‌های عمومی مردم و مسئولان و پژوهش در مورد مسائل آن‌ها از طریق مشاوران و درخواست از آنان جهت مشارکت در برنامه‌ریزی و طراحی است (مطلبی، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

تداوم و بقای شهر بر مبنای مشارکت داوطلبانه و خودیارانه ساکنان برای بهبود شرایط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی محله امکان‌پذیر است. این مشارکت نیازمند اقدامات فعال شهروندان و مشارکت داوطلبانه مردم برای حل مشکلات به صورت جمعی و ارتباط مستمر و پیگیر آن‌ها با سازمان‌ها و نهادهای دولتی است.

روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه پیمایش و شهر مرند، محدوده‌ی جغرافیایی مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین از مصاحبه‌های عمیق برای تدوین پرسش‌نامه و آشنایی با مشکلات و نیازهای شهری استفاده شده است.

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش افراد بالای ۱۵ سال ساکن شهر مرند در طی سالهای ۹۶-۹۷ بودند. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری مختلط یعنی طبقاتی و خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. در مجموع، ۲۶۰۰ پرسش‌نامه تکمیل شد که برای تمامی مقاصد آماری کفایت می‌کرد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه همراه با مصاحبه بوده است. با مراجعه به منازل افراد نمونه و قرار قبلی، پرسش‌نامه توسط پرسشگر یا در صورت توجیه پاسخگو یا عدم

حضور او در ساعات مراجعه، توسط خود پاسخگو تکمیل و سپس تحویل گرفته شد. برای تحویل پرسش‌نامه‌ها تا سه بار مراجعه صورت گرفته است.

متغیر و معرف‌های تحقیق

متغیر اصلی در این تحقیق نیازهای فرهنگی ساکنان در شهر مرند بوده است که از شاخص‌های زیر برای سنجش آن استفاده شد.

شاخص‌های سنجش نیازهای کالبدی شهر (نیازهای سطح اول)

- مسائل زیربنایی و تأسیساتی مانند آسفالت معابر، لایروبی مبادی‌ها، روشنایی معابر، تأمین آب، برق، گاز و پیاده‌روی مناسب و ...؛
- بهداشت و سلامتی شهر، هوای سالم، آب سالم، تمیزی معابر؛
- دسترسی به مراکز خرید مناسب و دسترسی به امکانات حمل و نقل عمومی؛
- دسترسی به فضای سبز و پارک‌ها، فضاهای تفریحی و ورزشی در مقیاس شهر؛
- دسترسی به امکانات رفاهی چون سالن اجتماعات، فرهنگسرا، کتابخانه، سالن مطالعه.

شاخص‌های سنجش نیازهای اجتماعی (نیازهای سطح دوم)

- امنیت: رها بودن جوانان و نوجوانان در محله، از بین رفتن حریم خصوصی محله، حضور اراذل و اوباش در محله، فروش و مصرف مواد مخدر؛
- تعاملات اجتماعی ساکنان با یکدیگر: صحبت و تعارفات روزانه، قرض دادن و قرض گرفتن ابزار و وسائل، رفت و آمد به منازل همسایه‌ها، نگهداری از بچه‌های همسایه در مواقع ضروری، خرید یا مسجد رفتن با یکدیگر، بازی کردن فرزندان با یکدیگر؛
- احساس تعلق به شهر (هویت شهر)، اعتماد به همسایه‌ها، احساس افتخار به محل زندگی، احساس مسئولیت نسبت به محله، دوست داشتن محله، دانستن اسم محله؛

- مشارکت در اداره شهر: حل مشکلات محله از طریق معتمدان شهر، شرکت در جلسات گروهی، شرکت در مراسم دسته‌جمعی شهر.

روش محاسبه پایایی شاخص‌های پرسشنامه

با استفاده از آزمون کرونباخ کلیه شاخص‌های پرسشنامه آزمون گردید که نتایج آن به شرح زیر است:

جدول ۱. آزمون کرونباخ کلیه شاخص‌های پرسشنامه

نیازها	مؤلفه‌ها	تعداد مؤلفه	آلفای کرونباخ
	نیازهای زیربنایی-تأسیساتی	۳	۰/۸۰۳
	بهداشت و سلامتی شهر	۴	۰/۷۸۵
	مراکز مناسب خرید و دسترسی به وسائل حمل و نقل	۲	۰/۸۰۶
	امکانات و تسهیلات شهر	۶	۰/۸۷۹
	امنیت	۵	۰/۷۷۴
	تعاملات اجتماعی	۶	۰/۷۷۶
	احساس تعلق به شهر (هویت شهری)	۴	۰/۷۷۴
	مشارکت در اداره شهر	۳	۰/۵۱۵

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های کلی پاسخ‌گویان

- از ۲۶۰۰ نفر پاسخگو، ۵۳/۶ درصد زن و ۴۶/۲ درصد مرد بوده‌اند.
- از کل پاسخگویان ۷۳/۹ درصد دیپلم و پایین‌تر، ۱۰/۹ درصد فوق دیپلم، ۱۲/۵ درصد لیسانس، ۱/۷ درصد فوق لیسانس، ۰/۶ درصد دکتری بوده‌اند.

- از کل پاسخگویان، ۳/۹ درصد منزلت شغلی عالی، ۳/۴ درصد منزلت شغلی خوب، ۸۵/۹ درصد منزلت شغلی متوسط، ۴/۳ درصد منزلت شغلی پایین، ۰/۴ درصد منزلت شغلی خیلی پایین داشته‌اند.

- میانگین سنی پاسخگویان ۳۶/۶ سال بوده است.

- میانگین مدت اقامت در محل زندگی ۱۳/۵ سال بوده است.

- از کل پاسخگویان ۷۵/۲ درصد مردی و ۲۴/۴ درصد غیر مردی بوده‌اند.

- از کل پاسخگویان ۷۱/۵ درصد مالک و ۲۸ درصد مستأجر بوده‌اند.

تحلیل عاملی

مدل نظری این تحقیق نیازهای اجتماع محلی را در دو بعد کالبدی و اجتماعی سطح‌بندی می‌کند. بر پایه مدل مذکور، ضروری‌ترین نیازهای اجتماع محلی برای دوام و تقویت حیات کالبدی و اجتماعی آن به قرار زیر است:

لایه‌بندی نیازهای کالبدی

گام اول: در پایین‌ترین سطح هرم نیازهای اجتماعی محلی، ضروری‌ترین نیازها به ترتیب اولویت و اهمیت نیازهای تأسیساتی و زیربنایی است (از قبیل تأمین آب، برق، گاز، فاضلاب، آسفالت..).

گام دوم: برطرف کردن نیازهای بهداشتی و سلامت محله، مانند آب آشامیدنی، پاکیزگی و تمیزی معابر، رفع آلودگی صوتی و آلودگی محیط زیست باید مدنظر قرار گیرد.

گام سوم: نیاز به مراکز مناسب خرید و دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی.

گام چهارم: نیاز به فضای سبز، فضاهای تفریحی، ورزشی.

گام پنجم: نیاز به احداث کتابخانه، فرهنگسرا و سالن اجتماعات که نقطه اوج نیازهای کالبدی فرهنگی است.

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی نیازهای شهر مرند

ردیف	امکانات ۱	روابط ۲	امینت ۳	تعلق به شهر ۴	بهداشت و سلامتی ۵	مشارکت ۶	اقدامات ۷	مراکز خرید و حمل و نقل
	سالن مطالعه	۰/۸۸۷						
	کتابخانه	۰/۷۶۷						
	فرهنگسرا	۰/۸۳۸						
	سالن اجتماعات	۰/۸۰۸						
	فضای تفریحی	۰/۷۳۵						
	سالن ورزشی	۰/۷۲۸						
	رفت و آمد با همسایه		۰/۷۵۹					
	قرض دادن و گرفتن		۰/۷۵۴					
	نگهداری از فرزندان همسایه		۰/۷۸۳					
	خرید و مسجد رفتن باهم		۰/۶۶۵					
	بازی فرزندان		۰/۶۶۱					
	صحبت و تعارف روزانه		۰/۶۶۴					
	فروش و مصرف مواد مخدر		۰/۸۴۴					
	رها بودن جوانان در شهر		۰/۷۴۸					
	از بین رفتن حریم خصوصی		۰/۶۴۱					
	پوشش نامناسب		۰/۵۶۶					
	احساس افتخار به شهر			۰/۸۶۲				
	علاقه به شهر			۰/۸۶۰				
	احساس مسؤولیت نسبت به شهر			۰/۷۴۲				
	اعتماد به همسایه‌ها			۰/۶۱۵				
	ترافیک و شلوغی				۰/۷۷۱			
	تبدیل کوچه به محل عبور اتومبیل				۰/۷۴۶			
	آلودگی هوا، آلودگی صوتی				۰/۶۶۸			
	فقدان پیاده‌رو				۰/۶۵۳			
	شرکت در جلسات گروهی					۰/۷۴۲		
	شرکت در جلسات دسته جمعی محلی					۰/۷۱۸		
	حل مشکلات با معتمدان شهر					۰/۶۶۹		
	ضعف در جدول‌بندی و روشنایی معابر						۰/۷۸۷	
	کثیفی معابر						۰/۶۶۰	
	مراکز مناسب خرید							۰/۷۷۹
	امکانات حمل و نقل عمومی							۰/۷۳۹

رتبه‌بندی یا تعیین اولویت نیازهای شهر مرند

در این تحقیق با استفاده از آزمون فریدمن اولویت نیازها از سوی ساکنان شهر محاسبه شده است.

جدول ۳. آزمون فریدمن اولویت‌بندی نیازهای شهر

مقوله‌ها	متوسط رتبه
نیاز به تعاملات اجتماعی	۷/۲۴
نیاز به امکانات و تسهیلات رفاهی	۷/۱۸
نیاز به اقدامات زیربنایی، تأسیساتی	۶/۸۲
نیاز به بهداشت و سلامتی شهر	۵/۱۳
مشارکت در اداره شهر	۴/۸۶
نیاز به مراکز خرید و امکانات حمل و نقل عمومی	۴/۶۹
نیاز به امنیت	۳/۲۶
نیاز به تعلق به شهر	۲/۷۴

نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد در سطح نیازهای کالبدی و اجتماعی در شهر، در مجموع، نیازهای زیر برای ساکنان مرند دارای اولویت بوده‌اند: نیاز به تعاملات اجتماعی ساکنان با یکدیگر و نیاز به امکانات و تسهیلات رفاهی به ترتیب با متوسط رتبه ۷/۳۴ و ۷/۱۸ در صدر قرار داشته‌اند و نیاز به امنیت و احساس تعلق به شهر به ترتیب با متوسط رتبه ۴/۲۶ و ۲/۷۴ در رتبه‌های آخر بوده‌اند. بقیه نیازها در سطح بینابینی قرار گرفته‌اند. مشارکت در اداره شهر، هرچند در سطح میانی مطرح بوده است، حاکی از پتانسیل جامعه برای شرکت در حل مشکلات محلی است و می‌توان از آن به عنوان موتور محرکه توسعه پایدار بهره گرفت.

احساس امنیت و احساس تعلق به شهر در اولویت‌های آخر بوده‌اند. دلیل این مسأله می‌تواند این باشد که بیشتر پاسخگویان بومی مرند بوده‌اند و به طور میانگین بیشتر از ۱۳/۵ سال در محل زندگی خود سکونت داشته‌اند و اغلب مالک خانه‌های خود بوده‌اند. از سوی دیگر، فرهنگ مردم مرند درون‌گراست، به این معنا که غریبه‌ها به آن راه ندارند

و این امر موجب حفظ انسجام محله‌ها شده است بنابراین، احساس تعلق به محله و احساس امنیت از سوی ساکنان به عنوان اولویت‌های آخر مطرح شده است. به عبارت دیگر، ساکنان کمبود این مقوله‌ها را کمتر احساس کرده‌اند.

راهکارهای مؤثر در رسیدن به وضع مطلوب در توسعه‌ی شهری مرنند

* بسط و گسترش رسانه‌های گروهی - مطبوعات به عنوان یکی از رسانه‌های مهم که بخصوص در شهر مرنند دارای قدمتی قابل توجه است، از اهمیت زیادی برخوردار است. مطبوعات از جهات مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در توسعه‌ی شهری اهمیت دارد. مطبوعات در ایجاد شفاف‌سازی و ارتقاء سطح دانش همگانی از ملاک‌های توسعه‌ی شهری است. به همین دلیل راهکارهای زیر می‌تواند اثربخش باشد:

- سهمیه‌بندی موضوعی نشریات مورد تقاضا براساس نیازهای منطقه‌ای - محلی
- تقاضای انتشار مطبوعات در حوزه‌های پر مخاطب زنان و جوانان در زمینه‌های موضوعی مختلف.
- در رابطه با نشریات محلی تفویض اختیار به استان‌ها به عنوان یک اصل
- هرگونه سیاست‌گذاری برای مطبوعات براساس اطلاعات یا خاستگاه پژوهشی صورت گیرد و تنها خبرگان علمی در عرصه‌ی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و اداره‌ی این عرصه‌ی بسیار مهم حضور یابند. (اصلائی ملایری، ۱۳۸۲: ۳۷۸)
- با توجه به تحقیقات انجام شده و بیان حداکثر ۴۰٪ اعتماد به رسانه‌های تصویری و شنیداری داخلی (شهر مرنند) توصیه‌های زیر مطرح است:
- تقویت روحیه‌ی پژوهش‌خواهی در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی برای انعکاس بهتر تمایلات، خواست‌ها و انگیزه‌های مخاطبان و به تبع آن جلب مشارکت بیشتر؛
- تقویت برنامه‌های نقد تلویزیونی؛

- به کارگیری کارکنان بومی در شبکه‌های پخش رادیویی و تلویزیونی (با تکیه بر رادیو) برای افزایش حس مشارکت؛
- تقویت حس خوش‌بینی نسبت به آینده و کاهش برنامه‌هایی که زمینه ساز احساس خشونت و ناامیدی می‌شود.

* راهبرد آمایش سرزمین در راستای توسعه‌ی شهری مرنند - آمایش "استفاده‌ی بهینه و عقلانی و پی بردن به" ارزش‌های فضا "به منظور" کارکردهای مؤثر اقتصادی و اجتماعی است، بنابراین "تقسیم کار سرزمین" از جنبه‌های مهم آن شمرده می‌شود. برنامه‌ی آمایش دارای افق بلندمدت است و معمولاً دوره‌ای ۱۵ تا ۲۰ سال را زیر پوشش قرار می‌دهد. این برنامه خط و مرز بین برنامه‌ی کلان و برنامه‌های منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد؛ به دیگر سخن، برنامه‌ی آمایش، برنامه‌های منطقه‌ای را به برنامه‌های ملی پیوند می‌زند. از مهمترین ویژگی‌های آمایش سرزمین می‌توان به مواردی چون، نگرش همه-جانبه به مسائل، آینده‌نگری، دورنگری و نتیجه‌گیری‌های مکانی از محتویات استراتژی توسعه‌ی ملی و عامل پیوند برنامه‌های کلان و برنامه‌های منطقه‌ای اشاره نمود. (بحرینی، ۱۳۷۰: ۳۴۰). بنابراین برنامه‌ریزی منطقه‌ای باید در چهارچوب برنامه‌ی ملی انجام شود.

* تشکیل کارگروه‌های تخصصی توسعه‌ی شهری مرنند در قالب بین رشته‌ای برای طراحی و اجرای طرح‌های توانمندسازی شهروند محور- محله محور با شیوه‌های متناسب توسعه‌ی شهری با تکیه بر زمینه‌های فرهنگی- اجتماعی شهر مرنند

نتیجه‌گیری

از آنجا که بافت محله‌ای شهرها بر اثر دخالت عوامل گوناگون دچار از هم‌گسیختگی شده است، برنامه‌ریزی‌هایی از نوع توسعه‌ی محله‌ای پایدار بر آن است که با احیای هویت محله‌ای بخشی از این آسیب را ترمیم و بازسازی کند. از جمله راهکارهایی که در این نظریه بر آن تأکید می‌شود، برنامه‌ریزی در مقیاس محله است که با بررسی آرا و نظرات ساکنان صورت می‌گیرد. تا به حال، بیشتر برنامه‌ریزی‌ها در سطح شهر مرنند بوده‌اند و به مشکلات مردم در سطح محلی بی‌توجهی می‌شده است. توجه به نیازهای اجتماعی و

کالبدی و روابط متقابل بین آن‌ها می‌تواند راه‌های متعدد و گوناگونی را پیش‌روی برنامه‌ریزان قرار دهد. از آنجا که فضای کالبدی می‌تواند به فضای اجتماعی، حیات و سرزندگی آن مدد رساند، افزایش فضای سبز و نوسازی بافت فرسوده محله‌ها بویژه پیاده‌روها، کوچه‌ها و حفظ حریم محله می‌تواند امکان تعامل را در زندگی اجتماعی فراهم کند. از سوی دیگر، توجه به نیازهای اجتماعی محلات و استفاده از پتانسیل‌های موجود انسانی برای درگیر ساختن آنان برای حل مشکلات محلات و ایجاد چسب اجتماعی برای تحکیم پیوند میان ساکنان، می‌تواند محیطی امن و سالم را برای ساکنان فراهم کند. برنامه‌ریزی بدون توجه به نیازهای کالبدی و اجتماعی اجتماعات محلی، موجب صرف هزینه‌های گزاف مالی می‌شود بدون اینکه رضایت عموم مردم را به همراه داشته باشد. گسترش فضاهای عمومی زنده و پویا در سطح محلی، همراه با تقویت نظام همسایگی و تعهد اجتماعی همراه با مشارکت مردم از طریق برنامه‌ریزی درازمدت در سطح محلی امکان‌پذیر است. در این تحقیق بر روی شاخص‌های نیازهای ساکنان تحلیل عاملی انجام شد. مقادیر ویژه و کل واریانس توضیح داده شده نشان داد که هشت عامل به نام امکانات و تسهیلات، تعاملات اجتماعی، امنیت، احساس تعلق به محله، بهداشت و سلامتی شهر، مشارکت در اداره شهر، اقدامات زیربنایی و مراکز خرید و امکانات حمل و نقل عمومی به ترتیب سازنده متغیر اصلی نیازهای ساکنان شهر بوده‌اند. آزمون بارتلت با معیار کایزر معادل $0/840$ و معنادار بوده است. این امر حاکی از اعتبار این آزمون است. تحلیل عاملی انجام شده کاملاً با شاخص‌بندی محقق با توجه به مطالعات اسنادی هماهنگ بود که نتایج آن طبق نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد در سطح نیازهای کالبدی و اجتماعی در شهر، در مجموع، نیازهای زیر برای ساکنان دارای اولویت بوده‌اند: نیاز به تعاملات اجتماعی ساکنان با یکدیگر و نیاز به امکانات و تسهیلات رفاهی به ترتیب با متوسط رتبه $7/34$ و $7/18$ در صدر قرار داشته‌اند و نیاز به امنیت و احساس تعلق به شهر به ترتیب با متوسط رتبه $4/26$ و $2/74$ در رتبه‌های آخر بوده‌اند. بقیه نیازها در سطح بینابینی قرار گرفته‌اند. مشارکت در اداره شهر، هرچند در سطح میانی مطرح

بوده است، حاکی از پتانسیل جامعه برای شرکت در حل مشکلات محلی است و می‌توان از آن به عنوان موتور محرکه توسعه پایدار بهره گرفت. احساس امنیت و احساس تعلق به شهر در اولویت‌های آخر بوده‌اند. دلیل مسأله می‌تواند این باشد که بیشتر پاسخگویان بومی مرند بوده‌اند و به طور میانگین بیشتر از ۱۳/۵ سال در محل زندگی خود سکونت داشته‌اند و اغلب مالک خانه‌های خود بوده‌اند. از سوی دیگر، فرهنگ مردم مرند درون‌گراست، به این معنا که غریبه‌ها به آن راه ندارند و این امر موجب حفظ انسجام محله‌ها شده است بنابراین، احساس تعلق به محله و احساس امنیت از سوی ساکنان به عنوان اولویت‌های آخر مطرح شده است؛ به عبارت دیگر، ساکنان کمبود این مقوله‌ها را کمتر احساس کرده‌اند.



منابع:

- ازکیا. (۱۳۸۱). مصطفی، «جامعه‌شناسی توسعه»، چاپ چهارم، تهران: نشر کلمه.
- بحرینی، سیدحسین؛ مکنون رضا. (۱۳۸۰). توسعه‌ی شهری پایدار، از فکر تا عمل، «مجله‌ی محیط‌شناسی»، شماره‌ی ۴۱، ۲۷-۶۰ صص
- بحرینی. (۱۳۷۸). حسین، «تحلیل فضاهای شهری»، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- بیگدلی، مهرناز. (۱۳۸۸). نقش مشارکت‌های مردمی در تحقق مدیریت محله‌ای، «مجموعه‌ی مقالات همایش توسعه‌ی محله‌ای»، تهران: طرح نو.
- توسلی. (۱۳۷۹). غلام‌عباس، «جامعه‌شناسی شهری»، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- رفیع‌زاده، ندا. (۱۳۸۰). بررسی میزان تعلق اجتماعی در گروه‌های سنی ساکنین محلات در تهران، (مطالعه‌ی موردی کوی نصرآباد نارمک تهران پارس و ۳ محله از منطقه‌ی ۳۴) سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.
- ذکایی، محمدسعید؛ روشن فکر پیام. (۱۳۸۳). رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و کیفیت زندگی در محلات شهری، «مجموعه‌ی مقالات همایش توسعه‌ی محله‌ای»، تهران: طرح نو.
- خاک‌پور، براتعلی، عزت‌الله مافی؛ باوان پوری علیرضا. (۱۳۸۸). «نقش سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی پایدار محله‌ای (نمونه: کوی سجاده‌ی مشهد»، مجله‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره‌ی دوازدهم، بهار و تابستان: ۵۵-۸۱.
- شیعه، اسماعیل. (۱۳۸۰). مقایسه‌ی محله‌های تهران با معیارهای یک محله‌ی پایدار از نظریه‌ی شهرسازی، سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.
- طالقانی و دیگران. (۱۳۶۹). «مطالعات جامعه‌شناسی شهر تهران».
- فهیمی‌زاده، حسین. (۱۳۸۰). تهیه طرح‌های اجتماعی، فضایی، روشی در بازسازی پایدار محلات شهری، سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.

- فیالکوف. (۱۳۸۳). یانکل، «جامعه‌شناسی شهر»، مترجم عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر آگه.
- فکوهی. (۱۳۸۳). ناصر، «انسان‌شناسی شهری»، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- قرایی، فریبا. (۱۳۸۰). نقش خصوصیات کالبدی در افزایش تعاملات اجتماعی و ایجاد حس جامعه‌ی محلی (مطالعه‌ی میدانی در دو محله‌ی شهر تهران)، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.
- کالن، گوردن. (۱۳۷۷). «گزیده‌ی منظر شهری»، ترجمه‌ی منوچهر طبیبیان، تهران، مؤسسه-ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۷۶). «تئوری شکل خوب شهر»، ترجمه‌ی سیدحسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.
- مطلبی، قاسم. (۱۳۸۳). رویکردی انسانی به توسعه‌ی پایدار محله‌ای، «مجموعه‌ی مقالات همایش توسعه‌ی محله‌ای پایدار ۲»، تهران: طرح نو.
- موسوی. (۱۳۸۹). یعقوب، حقوق اجتماعی شهروندی در کلان‌شهر تهران، ۶ اردیبهشت گروه تخصصی شهر، نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران. <http://isa.org.ir>
- موسوی. (۱۳۸۷). یعقوب، حقوق اجتماعی شهروندی، سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- موسوی. (۱۳۸۶). یعقوب، حقوق اجتماعی شهروندی در کلان‌شهر تهران، ۶ اردیبهشت گروه تخصصی شهر، نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- هاروی. (۱۳۷۶). دیوید، «عدالت اجتماعی و شهر»، ترجمه‌ی فرخ حسامیان، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.